

تعاون، سال بیست و دوم، دوره جدید، شماره ۶، تابستان ۱۳۹۰

نقش تعاونیهای صنایع کوچک در اشتغالزایی و توسعه روستاها

دکتر علی شمس الدینی^۱، سید ناصر حسینی^۲

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۰/۶/۱۲

چکیده

برخورداری از سطح قابل قبولی از رفاه، اشتغالزایی و درآمد مکفی برای همه افراد جامعه و همچنین دستیابی به توسعه پایدار ملی از مهمترین اهداف برنامه‌ریزان در کشورهای جهان به ویژه جوامع در حال توسعه محسوب می‌شود. در این میان باید وضعیت معیشتی و رفاهی روستاییان به عنوان کم‌برخوردارترین افراد این جوامع، در کانون توجه مدیران قرار بگیرد. از آنجا که فقیرترین روستانشینان را افراد بدون زمین کشاورزی و یا با زمین اندک تشکیل می‌دهند، می‌توان با تنوع بخشی به فعالیتهای غیرکشاورزی در این سکونتگاهها موجبات اشتغالزایی، کاهش فقر و ایجاد رفاه اجتماعی نسبی را در این کانونهای کوچک جمعیتی فراهم آورد. در این راستا صنعتی نمودن روستاها با تکیه بر فعالیت صنایع کوچک و دستی می‌تواند ضمن رفع تنگنای حاصل از بیکاری، فقر و آثار ناشی از پیامدهای محیطی (از جمله خشکسالی) و بحران تولید در روستاها، به عنوان عنصری محوری در جهت کاهش فضای

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت e-mail: ali.shamsoddini@yahoo.com

۲. معاونت پژوهش، برنامه ریزی و تحقیقات اداره کل تعاون استان فارس

نابرابری در توسعه اقتصادی- اجتماعی محیطهای روستایی قلمداد گردد. البته این سیاست اگر توأم با مشارکت همه‌جانبه روستاییان در ابعاد سرمایه‌گذاری و فعالیت در قالب شرکتهای تعاونیهای مردمی باشد، به نحوی کارآمدتر می‌تواند جوابگوی مشکلات و نارساییهای حاصل از عقب ماندگی اقتصادی- اجتماعی روستاها باشد.

در این پژوهش که با رویکردی تحلیلی- توصیفی در سال ۱۳۸۹ انجام گرفته است، تلاش شده ضمن بیان چارچوب نظری استقرار صنایع کوچک و دستی در مناطق روستایی با تأکید بر فعالیت شرکتهای تعاونی، تأثیرگذاری این گونه فعالیتهای تعاونی در اشتغالزایی و توسعه روستاها با یک بررسی ادراکی تجزیه و تحلیل شود. روش جمع‌آوری داده‌ها به صورت انجام مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از آرا و دیدگاههای اندیشمندان داخلی و خارجی در زمینه مورد بحث است. نتایج نشان می‌دهد که در شرایط کنونی کشور که خشکسالیهای پی در پی خسارات فراوانی به بخش کشاورزی و متعاقباً شرایط زندگی در جامعه روستایی وارد نموده است، می‌توان با تنوع بخشی به وضعیت فعالیت اقتصادی روستاییان به ویژه توجه به راه اندازی صنایع کوچک و دستی با توجه به مشارکت همه جانبه روستاییان در قالب شرکتهای تعاونی خودجوش و فعال تولیدی، اشتغالزایی و در نتیجه، توسعه پایدار روستاها را فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها:

صنایع کوچک و دستی، شرکتهای تعاونی، اشتغالزایی، روستا، توسعه روستایی

مقدمه

بر اساس سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، ۲۲/۲۳۵ میلیون نفر از جمعیت ۷۰/۴۹۵ میلیونی کشور معادل ۳۲ درصد ساکن روستاها هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) که توجه به ایجاد امکانات و شرایط لازم برای اشتغال، آموزش، بهداشت و افزایش رفاه و آسایش

برای این میزان جمعیت کشور از اهمیت در خور توجهی برخوردار است. از طرفی، از آنجا که بخش کشاورزی به دلایلی نظیر کمبود زمین، خشکسالیهای دوره‌ای، تغییر در قیمت محصولات و ... به تنهایی پاسخگوی درآمد روستاییان نمی‌باشد (شکور، ۱۳۸۶، ۸۰۳) و پایین بودن درآمد، خود علت بسیاری از نابسامانیها از جمله افزایش فقر، نابرابری و مهاجرت در روستاهاست، از این رو باید در جستجوی راهکارهایی جدید برای افزایش درآمد و اشتغال برای روستاییان بود.

به منظور افزایش درآمد روستاییان و ایجاد اشتغال در این نواحی جمعیتی، صنایع روستایی نقش فوق العاده‌ای می‌تواند داشته باشد به نحوی که این صنایع جدا از توان اشتغالزایی بالا می‌توانند در حل مسائل فقر و نابرابری، توزیع درآمد و امکانات، تمرکز و دیوانسالاری، امنیت ملی و آمایش سرزمین مؤثر باشند. همچنین این صنایع به علت نیاز به سرمایه‌گذاری اندک در مقایسه با صنایع بزرگ، هزینه تولید نسبتاً مناسب، نیاز کمتر به ارز خارجی و توان بیشتر ارزآوری و افزایش صادرات، امکان استفاده از منابع و امکانات موجود در نواحی روستایی با افزایش بهره‌وری و ارزش‌افزایی تولید بخش کشاورزی می‌توانند نقش مهمی در توسعه اقتصادی - اجتماعی روستاهای کشور بازی کنند (کوپاهی و دیگران، ۱۳۸۱، ۶۶۳). بدین ترتیب راه‌اندازی، تقویت و گسترش صنایع کوچک از جمله صنایع دستی، با دارا بودن ویژگیهایی همچون عدم نیاز به سرمایه‌گذاریهای کلان، آموزش آسان و رایگان و نیز در دسترس بودن مواد اولیه در محل، قابلیت ایجاد و استقرار در اکثر نواحی روستایی کشور را دارد. همچنین صنایع تبدیلی و تکمیلی وابسته به بخش کشاورزی با توجه به توانمندیهای هر منطقه جغرافیایی به خصوص در مراکز روستایی می‌تواند راهبردی مناسب در راستای رفع معضلات ناشی از عقب‌ماندگی جامعه روستایی کشور و آبادانی این کانونهای جمعیتی باشد (صادقی، ۱۳۸۰، ۸۸).

در این فرایند اشتغالزا در محیطهای روستایی آنچه مهم است توجه و تأکید بر کارکردهای گروهی و مشارکتی از جمله فعالیت تعاونی در بین افراد روستاست. این گونه

فعالیتها در بین جوامع روستایی (که از پیشینه زیادی در زمینه کار دسته جمعی و اشتراک مساعی در رفع نیازمندی‌های همگانی برخوردارند)، با تلفیق دانش، فناوری و دستاوردهای نوین علمی و تجربه در سطح ملی و محلی می‌توانند راهگشای حرکتی مهم در جهت آبادانی عرصه روستاها باشند. از این رو اشتغال و فعالیت در بخش صنایع کوچک در روستاها با تکیه بر راه‌اندازی و بسط شرکتهای تعاونی صنعت می‌تواند به مرور و با افزایش تولید و درآمدزایی، ضمن رفع معضل بیکاری در روستاها، زمینه‌های عمران و توسعه این کانونهای انسانی را فراهم آورد.

در پژوهش حاضر تلاش شده است با رویکردی تحلیلی-توصیفی و با بیانی ادارکی به بررسی نقش تعاونیهای صنایع کوچک از جمله صنایع دستی در اشتغالزایی و توسعه سکونتگاههای روستایی کشور پرداخته شود. به عبارت دیگر با بررسی ارتباط بین جامعه روستایی و انجام فعالیتهای تعاونی در قالب صنایع کوچک، نقش این گونه فعالیتها در اشتغالزایی و بهبود وضعیت رفاهی روستائینان کشور تجزیه و تحلیل می‌شود. در گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای-اسنادی (مطالعه مقالات، گزارشها و کتابهای متعدد فارسی و لاتین، رساله‌ها و طرحهای پژوهشی) و نیز تحلیل دیدگاه‌های محققان بهره گرفته شده است.

مبانی نظری

۱. توسعه روستایی

در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م. تلاشهایی به منظور بهبود سطح زندگی روستاییان از طریق اعمال سیاستهای ارتقای توسعه روستایی صورت پذیرفت. برنامه‌های ارتقای توسعه روستایی مستلزم: الف) تسریع در رشد و افزایش تولید محصولات توسط کشاورزان خرده‌پا، ب) افزایش تقاضای محلی، ج) متنوع ساختن فعالیتهای توسعه روستایی غیرکشاورزی مورد حمایت جوامع کشاورزی است (هودر، ۱۳۸۱، ۹). همچنین برپایه گزارش بانک جهانی (۱۹۷۵)، توسعه روستایی یک راهبرد است که برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروهی

از مردم روستایی طرح ریزی شده است و شامل تسری و گسترش منافع توسعه به فقیرترین قشر از افراد روستاست که در وضعیت معیشتی نامناسبی قرار دارند (فشارکی، ۱۳۸۲، ۱۰).

از آنجاکه برنامه‌های توسعه روستایی جزئی از برنامه‌های توسعه هر کشور به شمار می‌رود که برای دگرگون سازی ساخت اجتماعی - اقتصادی جامعه روستایی به کار می‌رود، طرحهای مربوط به توسعه روستا قسمتی از برنامه‌های کلی و عمومی توسعه است و اغلب مهمترین نتایج برنامه‌های توسعه روستایی به نتایج برنامه‌های عمومی ارتباط دارد (چمبرز و دیگران، ۱۳۷۷، ۲۹۴). بنابراین، توسعه روستا بر خلاف تصور عامه، صرفاً تغییر در ساختار و ترکیب فیزیکی روستا نیست بلکه عمدتاً ایجاد تغییر و تحول در نظام اقتصادی روستا و رشد و ارتقای ابعاد انسانی آن جامعه می‌باشد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲، ۱۱). به عبارت دیگر منظور از توسعه روستایی ایجاد تغییراتی هماهنگ در اقتصاد و ساختارهای جامعه در جهت استقرار یک نظام عادلانه و بهبود کیفیت زندگی روستاییان و فراهم کردن زمینه بهزیستی ساکنان این کانونهای سکونتگاهی است (بوذری، ۱۳۷۶، ۱۴).

۲. صنعتی نمودن روستاها

محدودیت منابع آب و خاک و همچنین روند سریع افزایش جمعیت از مشخصه‌های مناطق خشک کشورهای در حال توسعه است. در این شرایط، صنعتی شدن می‌تواند به عنوان نیروی پویای توسعه مطرح شود. در این راستا سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک به عنوان موتور توسعه مناطق روستایی، تأثیر بسزایی در ایجاد فرصتهای شغلی و پیشرفت تدریجی کشورهای در حال توسعه داشته است. همچنین این صنایع قادرند با جذب نیروی کار مازاد در بخش کشاورزی، گسترش آموزش و ارتقای سطح مهارتها زمینه مناسبی جهت توسعه مناطق روستایی فراهم آورند. از این دیدگاه، با صنعتی شدن، نقش معنادار در فرایند توسعه روستایی از طریق افزایش تولیدات روستایی، بهره‌وری، ایجاد فرصتهای شغلی، تأمین نیازهای اساسی و ایجاد پیوند با دیگر بخشهای اقتصادی به وجود می‌آید و در نهایت صنعتی شدن مناطق روستایی به کاهش نابرابری های منطقه‌ای منجر می‌شود (رکن‌الدین افتخاری و طاهرخانی، ۱۳۸۱، ۳).

بدین ترتیب صنعتی کردن روستا و یا توسعه صنایع روستایی اولین هدف «توسعه جانبه روستا» است؛ اما نباید چنین پنداشت که هدف از آن ایجاد و به کاراندازی صنایع پیچیده و بزرگ در حاشیه روستاها می‌باشد، بلکه منظور توسعه روستایی و ترویج آنهاست. البته روند صنعتی شدن روستاها باید طوری انجام گیرد که در دیگر بخشهای اقتصادی تأثیر سوء بر جا نگذارد، بلکه علاوه بر داشتن هماهنگی با دیگر بخشهای اقتصادی، بهره‌وری نیروی کار را نیز افزایش دهد (نراقی، ۱۳۷۲، ۲۰۹).

راهبرد صنعتی‌سازی روستایی، به عنوان فرایندی که ابزارهای مناسب برای متنوع‌سازی اقتصاد روستایی فراهم می‌آورد، رویکردی اقتصادی است که با ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و توزیع متعادلتر درآمد، منجر به بهبود سطح زندگی روستاییان و نهایتاً موجب توسعه پایدار روستایی است (شایان و دیگران، ۱۳۸۶، ۱۹۳). گروهی از محققان سخت بر این اعتقادند که صنعتی‌شدن روستا با تأکید بر صنایع کوچک، پیامدهای ارزشمندی در سایر کشورهای دنیا داشته است. در این راستا یکی از گزینشهای مشهود در توسعه صنایع روستایی، تأکید بر توسعه و تنوع بخشیدن به صنایع موجود است (هاگ، ام، ۱۳۶۸، ۷۴).

بنابراین، صنایع روستایی نقش بسزایی در افزایش درآمد روستاییان و ایجاد اشتغال در این بخش دارد. در ضمن صنایع روستایی می‌تواند نقش مؤثری در توسعه اقتصادی روستاها و کشور داشته باشد. این صنایع جدا از توان اشتغالزایی بالا، می‌توانند در حل مسائل نابرابری و توزیع درآمد و امکانات، مهاجرت، امنیت ملی، آمایش سرزمین، رشد بیش از اندازه جمعیت شهرها و آلودگی آنها و دیگر موارد بسیار مؤثر باشند (کوپاهی و دیگران، ۱۳۸۰، ۹۸). از این رو بسط و توسعه صنایع روستایی عموماً با توجه به اهداف زیر انجام می‌شود: ۱. افزایش فرصتهای شغلی به ویژه برای جوانان روستایی، ۲. جلوگیری از مهاجرت؛ ۳. توزیع عادلانه تر درآمد، ۴. استفاده بهینه از منابع موجود در مناطق روستایی، ۵. شکوفایی استعدادها و خلاقتهای روستاییان، ۶. کاهش بیکاریهای دوره‌ای و فصلی (سعیدی رضوانی، ۱۳۷۴، ۲۲).

نتایج و بحث

۱. آثار صنایع کوچک در روستاها

طبق تعریف، صنایع روستایی مجموعه‌ای از صنایع است که از نظر امکانات زیربنایی، نیروی انسانی، سرمایه‌گذاری، فناوری، نوع و کیفیت تولیدات در تطابق با شرایط طبیعی، متناسب با مناطق روستایی بوده و استقرار آنها در این مناطق امکان‌پذیر می‌باشد و به عبارتی شامل صنایع دستی، صنایع کوچک و صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی می‌گردد (ابوالحسنی، ۱۳۷۰، ۶۵). در این میان ایجاد صنایع، به ویژه صناعی که تعداد زیادی نیروی انسانی جذب و استخدام می‌کنند، همواره مورد تقاضا و آرزوی بسیاری از کشورهای در حال توسعه بوده است (فرید، ۱۳۸۰، ۲۴۵) نتایج حاصل از تجربه‌های سه دهه گذشته کشورهای آسیایی به خصوص چین و هندوستان نشاندهنده این است که صنایع کوچک روستایی می‌تواند نقش حیاتی در فرایند توسعه روستایی ایفا نماید (عمادی، ۱۳۷۹، ۲۳).

در این راستا خط مشی دولتها در کشورهای تازه صنعتی شده آسیایی و ارتباط آن با توسعه روستایی، به صورت فرایندی به ویژه در طول مراحل اولیه از رشد آنی پس از جنگ جهانی دوم، مورد توجه قرار گرفته و نتایج آن مثبت بوده است. برای مثال دولت تایوان صنعتی شدن روستایی را از طریق یک برنامه جامع برق‌رسانی روستایی، پذیرش نرخهای برابر انرژی در نواحی شهری و روستایی و استقرار امکانات اولیه صنایع روستایی، ایجاد مناطق فراوری (پردازش) صادرات و کارخانه زنجیره‌ای پیوسته تقویت کرده است (براهمن، ۱۳۸۱، ۱۲۹). همچنین ۸۰٪ از نیروی کار صنعتی اندونزی در صنایع کوچک و صنایع خانگی روستایی مشغول به کار هستند به طوری که صنایع کوچک نقش مهمی در روند صنعتی شدن اندونزی بازی می‌کنند. این صنایع در چارچوب صنایع کارگرم، بیشترین تعداد کارگر صنعتی را استخدام می‌نمایند و موجب ظرفیتهای جدید برای جذب بیشتر نیروی انسانی هستند. به علاوه، صنایع کوچک در نقاط مختلف این کشور پراکنده‌اند و نقش مهمی در توسعه روستاها و مناطق دورافتاده دارند (کردزاده، ۱۳۷۲، ۳۲).

به هر حال صنایع روستایی می‌تواند پاسخی برای چالشهای ملی باشد. صنایع روستایی و صنایع کوچک کارایی بیشتری نسبت به صنایع بزرگ به وجود می‌آورند. در بسیاری از نقاط جهان مطالعات انجام شده نشان داده است که اصولاً صنایع کوچک روستایی از نظر کارایی و بازدهی نسبت به صنایع بزرگ دارای مزیت‌های زیادی بوده است به گونه‌ای که در جوامع روستایی از مشارکت زنان که نیروی مولدی هستند، می‌توان به صورت گسترده‌ای در بحث صنایع روستایی استفاده کرد (مهر فرد، ۱۳۷۹، ۵۳). در این راستا مهمترین موانع توسعه صنایع روستایی سه عامل کمبود سرمایه، عقب ماندگی فناوری و محدودیت بازار فروش است و حمایت‌های دولت باید در جهت کاهش این موانع و رفع مشکلات پیش روی صنایع روستایی باشد (خزاعی قوژدی، ۱۳۷۶، ۱۱۷).

در مورد چگونگی اشتغالزایی صنایع روستایی باید اشاره کرد که غالباً صناعی که در ارتباط با مسائل جغرافیایی، اجتماعی، محصولات کشاورزی و دامداری روستا هستند، نسبت به صناعی که کمتر با این موارد در ارتباطند، به نسبت با سرمایه کمتر، اشتغالزایی بیشتری را ایجاد می‌کنند. از این رو صناعی می‌توانند در روستا با صرفه اقتصادی فعالیت کنند که با وضعیت جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی محل استقرار صنعت هماهنگ باشند (مهرگان، ۱۳۷۰، ۳۶).

۲. آثار صنایع دستی در روستاها

۱.۲. آثار اقتصادی

الف) افزایش تولید ناخالص ملی: از آنجا که قسمت اعظم ابزار، نیروی کار و مواد اولیه مورد نیاز صنایع دستی در همان منطقه و کشور قابل فراهم شدن است، هرگونه افزایشی در تولید و فروش صنایع دستی تأثیر مستقیم بر افزایش تولید ناخالص ملی دارد.

ب) توسعه صادرات: از جمله مشخصات کشورهای در حال توسعه، اقتصاد تک محصولی و اتکا به یک یا ندرتاً چند قلم محدود کالاهای صادراتی است. از طرفی بنیان اقتصادی ممالک در حال توسعه به گونه‌ای است که برای اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی و حتی در مواردی برای تأمین حداقل نیازهای خود به ارز احتیاج دارند که این امر در گرو امکان

صدور مواد و حتی محصولات به خارج است. لذا توسعه صادرات اعم از صدور مواد خام، کالاهای نیمه ساخته و صنایع دستی و در نتیجه ایجاد درآمدهای ارزی، از شرایط اساسی توسعه اقتصادی است (یاوری، ۱۳۸۵، ۲۷). از این رو با توجه به نیاز کشور به درآمدهای ارزی و لزوم خارج کردن اقتصاد کشور از انحصار سیستم تک محصولی نفت، تأکید بر صادرات صنایع دستی و سایر فراورده‌های فوق و کوشش در شناسایی و گسترش شبکه صادراتی آنها یک ضرورت اقتصادی است (حاجی‌پور، ۱۳۷۶، ۲۰).

ج) افزایش درآمد: صنایع دستی به علت ویژگیهایی مانند آموزش آسان، بالابردن سطح اشتغال، عدم نیاز به متخصصان خارجی نسبت به سایر بخشهای اقتصادی از درآمدزایی و ارزش افزوده بالایی برخوردار است. بر اساس پیش‌بینی‌های WTO، انتظار می‌رود که تعداد گردشگران جهان تا سال ۲۰۱۰ به یک میلیارد نفر برسد که این رقم درآمدی بیش از یک هزار و ۵۵۰ میلیارد دلار عاید کشورهای دنیا می‌کند و با توجه به این مهم نقش صنایع دستی و توجه به بازاریابی این محصولات در این درآمدزایی بسیار مهم است (کرمی زکیه، ۱۳۸۶، ۱۴).

د) ایجاد اشتغال: همان طور که می‌دانیم بیش از ۳۰ درصد از جمعیت کشور ما را جامعه روستایی تشکیل می‌دهد. در این جوامع، افراد روستایی در بخشی از فصول سال با بیکاری یا کم‌کاری روبه‌رو هستند و این بیکاریهای فصلی می‌تواند زمینه‌ساز مهاجرت‌های روستا - شهری باشد. اما صنایع دستی با ویژگیهایی از جمله عدم نیاز به سرمایه‌گذاری‌های زیاد و قابل دسترس بودن منابع در محل می‌تواند برای افراد روستایی به عنوان شغل ثابت و پایداری تلقی شود و جلوی مهاجرت‌های روستا شهری را نیز بگیرد (ازکیا و دیگران، ۱۳۸۷، ۳۶۱).

۲.۲. آثار اجتماعی و فرهنگی

الف) جذب گردشگر و افزایش مبادلات فرهنگی: جهانیان با وجود تنوع و تکثر صنایع دستی ایران تنها با تعداد محدودی از این صنایع آشنا هستند، ولی معرفی صنایع دستی ایران می‌تواند در صنعت گردشگری و اقتصاد کشور تأثیرگذار باشد به طوری که در سال ۸۳ بالغ بر یک میلیون و ۲۰۰ هزار گردشگر وارد کشور شده‌اند و به نوبه خود این گردشگران هدایایی به

همراه خود برده‌اند (منشی زاده، ۱۳۸۴، ۷۲). تولید انواع صنایع دستی باعث شناسایی بیشتر ایران در خارج شده و جهانگردان بیشتری را روانه ایران کرده است. در این راستا جهانگردان این صنایع را هم به ارز خارجی خریداری می‌کنند و هم صادرات آن برای ما ارز کافی ایجاد می‌کند (دیلمانی، ۱۳۷۸، ۲۳۶).

(ب) **تحکیم خانواده:** وقتی کودک شالی را که مادرش بافته یا لباسی را که ساخته و پرداخته دست مادر است بر تن خود حس می‌کند این موضوع در تحکیم رابطه صمیمی بین خانواده یک نوع آموزش کارگاهی مستمر برای ایجاد تقویت روابط خانواده به حساب می‌آید. پس هر قدر ما بتوانیم با استفاده از ساخته‌های دست خود اثاثیه منزل را تهیه کنیم، علاوه بر اینکه به اقتصاد خانواده کمک نموده‌ایم از تجمل‌گرایی دور می‌شویم و قدمی به سوی انسجام بیشتر خانواده برمی‌داریم (سپهر، ۱۳۸۶، ۱۴).

در نهایت تحول در صادرات صنایع دستی و استفاده از ظرفیتهای بالای این بخش نیازمند استفاده از اصول مدیریت علمی و الگوبرداری مناسب از کشورهای است که هم اینک در سطح جهانی به موفقیت دست یافته‌اند. هدایت و برنامه‌ریزی جامع و فراهم آوردن تسهیلات لازم برای بهره‌گیری از ظرفیتهای بخش خصوصی و تعاونی از الزامات توسعه صادرات صنایع دستی می‌باشد.

۳. جایگاه تعاون در اشتغالزایی و توسعه

۱.۳. تعاون و اشتغال

ارزیابی نقش تعاونیها در اشتغالزایی به این علت که آمارگیری دقیقی در این مورد انجام نشده، امری مشکل است؛ اما همراستای رشد فزاینده تعداد تعاونیهای جدیدی که منحصرأ در عرصه خدمات اجتماعی تأسیس شده‌اند (تنها در فنلاند بیش از ۷۰۰ تعاونی در خلال سالهای ۱۹۹۳-۹۸ تشکیل شده که از این تعداد ۳۳۰ واحد تعاونیهای کارگری می‌باشند)، تحقیقات انجام شده توسط مؤسسه سوئدی «تحقیقات اقتصاد اجتماعی» در سال

۱۹۹۶ نشان می‌دهند که در این زمینه حتی حضور تعاونیها در عرصه تولید و درآمدزایی، اهمیت به مراتب بیشتری هم داشته است (سازمان بین‌المللی کار، ۱۳۸۳، ۵۵).

در کشور هندوستان ارزش تعاونیها در ارتقا و ایجاد اشتغال در مناطق کشور کاملاً مشهود است به نحوی که تعاونیهای کشاورزی هند نقش عمده‌ای در انقلاب "سبز" و "سفید" (تولید لبنیات) و درآمدزایی و ایجاد شغل برای ده‌ها میلیون روستایی فقیر ایفا نموده‌اند (وزارت تعاون، ۱۳۷۸، ۱۱). در چین احیای سیستم درمانی تعاونیهای روستایی موجب اشتغال در امور خدماتی و رسیدگی به نیازهای درمانی محلی شده است. همچنین در کشور مالزی دولت با حمایت و ارائه سیاست ملی تعاون (NCP) ضمن اتخاذ راهبردهای خاصی برای ترویج و توسعه تعاون، با قدم گذاشتن در عرصه فعالیت‌های جدید تجاری و وضع مقررات پویا در این زمینه فصلی نوین و شکوفا را در اقتصاد ملی با تکیه بر بخش تعاون رقم زده است (نشریه تعاون، ۱۳۸۲، ۴۴).

در حال حاضر بیش از ۸۰۰ هزار شرکت تعاونی با حدود یک میلیارد نفر عضو در جهان و ۶۶ هزار شرکت تعاونی با حدود ۱۶ میلیون نفر عضو در ایران وجود دارد (وزارت تعاون، ۱۳۷۸). همچنین در اروپا تعاونیها به طرز بی‌سابقه‌ای به شکوفایی اقتصادی، احیای جامعه محلی، پایداری جوامع و اشتغال‌زایی کمک می‌کنند. اتحادیه اروپا بر این نکته اذعان می‌دارد که آینده ایجاد شغل در دست مؤسسات اقتصادی کوچک و متوسط نهفته است. نهضت تعاونی اغلب فراموش می‌کند که این گونه مؤسسات عنصری حیاتی برای بخش تعاونی محسوب می‌شوند (انصاری و سائلی بزرگی، ۱۳۸۴، ۱۵۵).

۲.۳. تعاون و ایجاد توسعه ملی

توسعه‌ای که تعاونیها به دنبال آن می‌باشند توسعه پایدار است. این سازمانها (تعاونیها) به عنوان سازمانهای مشارکتی، عدالت و برابری را تشویق می‌کنند و نیز به عنوان بنگاههای اقتصادی برای اعضای خود خدمات بازرگانی فراهم می‌کنند. همچنین به عنوان نهادهای محلی بازتاب توجهات محلی اعضا نسبت به عدالت اجتماعی محسوب می‌شوند. بنگاههای تعاونی

ابزارهایی سازمانی فراهم می‌آورند که به کمک آنها افراد بیشتری می‌توانند کارهای ایجاد اشتغال مولد، غلبه بر فقر و نیل به یکپارچگی اجتماعی را به دست آورند (شمس‌الدینی، ۱۳۸۸، ۸۹). در یک بررسی که به وسیله سازمان ملل متحد درباره نقش تعاونیها در توسعه روستایی و کشاورزی به عمل آمده چنین اظهار نظر شده است: «مسلم است که تعاون با داشتن جنبه اختیاری و با گسترش دانش، تشویق بحث و انتقاد، ایجاد اعتماد، برقراری مساوات در امر نظارت و سرانجام ایجاد حداکثر اطمینان به نفس نهضتی است که هیچ چیز نمی‌تواند کاملاً جایگزین آن گردد» (امینی، ۱۳۷۲، ۲۵۵).

گسترش تعاونیها در حوزه‌ها و شاخه‌های مختلف و گوناگون مصرف، تولید، اعتبار، مسکن و خدمات و یا در نوعی طبقه بندی برحسب گرایشهای بخشی در کشاورزی، صنعت و خدمات، با اجرایی و عملیاتی شدن این نوع از فعالیتهای اقتصادی در کشورها به ویژه در کشورهای درحال توسعه موقعیت نظام تعاونی را در میان سایر نظامهای اقتصادی به عنوان راه سوم، راه وسط و یا موج سوم مطرح کرده است، به طوری که بسیاری از اندیشمندان حوزه‌های توسعه و اقتصاد با مطالعات و تحقیقاتی که در فرایند توسعه و روند اقتصادی کشورها انجام داده‌اند به این نتیجه دست یافته‌اند که اگر در آلمان، آمریکا، سوئد، فرانسه، انگلیس، سنگاپور و هند و چین بخش تعاون وجود نداشت، چرخ اقتصادی این کشورها از حرکت باز می‌ایستاد (علیزاده، ۱۳۸۲، ۲۰۸).

پیوند بین نهضت تعاونی و توسعه کشورها آشکار است و می‌توان آن را به طرق زیر

خلاصه کرد:

۱. تعاونیهای واقعی و مطلوب دارای جنبه‌های مختلف اجتماعی، آموزشی و فرهنگی هستند و بنابراین می‌توانند به برنامه‌ریزی جنبه انسانی دهند و آن را منطبق با احتیاجات و آرمانهای مردم کنند، ۲. تعاونیها به عنوان سازمانی متعلق به مردم، سیاستهای مربوط به توسعه عمومی کشور را تفسیر و اجرا می‌کنند، ۳. تعاونیها با طرز عمل خاص خود در مورد توزیع سود، می‌توانند به توزیع عادلانه درآمد کمک و آن را فراگیر کنند، ۴. تعاونیها می‌توانند

احتیاج به مداخله دولت را در امور اقتصادی کاهش دهند و باری که بر دوش دولت نهاده شده را سبکتر کنند، ۵. تعاونیها می‌توانند نقش رابط و واسط بین دولت و مردم را ایفا کنند، ۶. در سازمانهای تعاونی یک نوع انضباط اجتماعی وجود دارد که افراد با اطمینان خاطر به آن تن در می‌دهند و این خود یکی از عوامل توسعه به شمار می‌رود، ۷. یکی از نکاتی که هنگام بحث درباره رابطه تعاونیها و برنامه جامع اقتصادی از نظر دور می‌ماند، این است که مالکیت تعاونی، یک نوع مالکیت بومی و محلی است و امکان نفوذ سرمایه‌های بیگانه یا انتقال آن به خارج از کشور ممکن نیست (امینی، ۱۳۷۲، ۲۲۸). پس تعاونیها به شکلی نوین در پاسخ به نابسامانیهای ناشی از انقلاب صنعتی و ناکارایی کامل بازار و نهاد دولت، در راستای لزوم تشکیل بخش سوم اقتصاد (که تعاونیها را دربر دارد) ایجاد شده‌اند (صباغ کرمانی و عاقلی، ۱۳۸۳، ۱۷۲).

نهایتاً در این راهبرد، منابع اقتصادی به نفع بخشها و گروههایی که از راهبرد رشد کمتر بهره‌مند می‌شوند، توزیع مجدد می‌شود و به این ترتیب توزیع مجدد درآمدها و منابع تولیدی از طریق کاهش بیکاری و کم‌کاری از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد (فرجادی، ۱۳۷۱، ۱۱۶). از این رو تعاونیها عناصر تحمیلی به سیستم برای برآوردن جزئی نیازهای تهیدستان نیستند، بلکه ابزاری هستند که با برخورداری از ویژگی عدالت‌خواهی می‌توانند در عرصه اقتصاد ملی و فرایند توسعه اقتصادی - اجتماعی به فعالیت و رقابت پردازند.

۳.۳. تعاونیها و صنایع کوچک روستایی

همان‌طور که در مطالب فوق به تفصیل شرایط و ویژگیهای توسعه روستایی، صنایع روستایی، فعالیت تعاونی و جایگاه آن در اشتغالزایی و توسعه ملی تشریح گردید، می‌توان با توجه جدی به این بخش از فعالیت اقتصاد در عرصه روستایی زمینه‌های توسعه و آبادانی این مراکز سکونت‌ی کشور را فراهم آورد.

توان ماندگاری هر کشوری در جهان پر تحول کنونی تابعی از میزان هوشیاری مردم آن کشور در بهره‌برداری بهینه از منابع موجود است که الزاماً بر پایه برنامه‌ها و طرحهای از پیش اندیشیده شده بنا می‌شود. بنابراین، طرح ایجاد و گسترش صنعت در روستاها اگر بیش از

پیش جدی گرفته شود و اگر با صبر و حوصله و با کار کارشناسی دقیق مورد پیگیری قرار گیرد، بی گمان می تواند زمینه ساز خروج بسیاری از نواحی روستایی از تنگناهای موجود باشد. بنابراین با صنعتی کردن روستاها می توان به اهداف توسعه ای روستاها و خروج آنها از انزوای جغرافیایی دست یافت (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۰، ۲۲). همچنین فعال نمودن بخش صنعت در نواحی روستایی می تواند موجب فعال نمودن بخشهای کشاورزی و خدمات نیز بشود و اقتصاد روستایی را واجد قابلیت های تازه نماید.

در این راستا آنچه خود به خود موجبات بی توجهی و تلاش برای صنعتی کردن روستاها در کشور می شود، «کمبود اعتبار و یا عدم سرمایه گذاری» از سوی بخش دولتی و خصوصی در این بخش از اقتصاد روستا به دلایل ناشی از سیاستهای اقتصادی - اجتماعی می باشد که این امر به مرور و با افزایش جمعیت در روستاها و کمبود اشتغال، سبب پدید آمدن فرایند فزاینده بیکاری، فقر و نابرابری در روستاها به واسطه کمبود زمین و پایین بودن بازده تولید و درآمد بخش کشاورزی می شود. در این راستا روستاییان برای فرار از معضلات روستای خویش با مهاجرت و حرکت به سمت شهرهای بزرگ و کوچک در سطح ملی و منطقه ای زمینه ساز بسیاری از مسائل و نارساییهای جمعیتی، شغلی، اقتصادی و اجتماعی در بسیاری از فضاهای شهری کشور می شوند. در این میان تکیه بر اندیشه مشارکت جمعی و فعالیت گروهی (همان گونه که در گذشته تاریخی روستاهای ما وجود داشته است) و تلفیق آن با دانش و تجربیات نوین علم اقتصاد می تواند به عنوان راهبردی کارگشا در جهت حل معضلات ناشی از بیکاری، فقر و توسعه نیافتگی در بین روستاییان برای تشکیل و گسترش انواع تعاونیهای تولید، مصرف، کشاورزی و از جمله تعاونیهای صنعت در جهت برخورداری از منافع آن و در نتیجه، دستیابی به سطوح عالی پایداری «توسعه» در روستاها مطرح و جدی گرفته شود (شمس الدینی، ۱۳۹۰، ۱۲۷-۱۲۸).

در سالهای اخیر نیز ارتقای توسعه روستایی به وسیله تعاونیها موضوع روز فائو بوده است. در واقع تعاونیها جزو سازمانهای سنتی می باشند که درآمد و سرمایه جمعیت فقیر نواحی

روستایی را ارتقا می‌بخشند و موجب می‌شوند تا درآمد روستاییان افزایش یابد و حصول به امنیت غذایی و توسعه پایدار تسهیل گردد (طاهرخانی و دیگران، ۱۳۸۴، ۱۲۴).

به لحاظ مطالعات تجربی و به طور مثال یک تعاونی موفق در میان روستاییان، تعاونی گامبیرا در هندوستان است به گونه‌ای که در کارکرد این تعاونی، پیشرفته‌ترین اصول دینامیک گروهی در راستای اهداف توسعه جمعی به طور موفق به کار گرفته شده و ۲۹۱ کشاورز حاشیه‌ای خرده‌پا و بدون زمین عضو آن، در حال حاضر دارای منبع درآمدی مطمئن هستند و تمام آنان در بالای خط فقر قرار دارند (Kumar, 1990). همچنین کشاورزان و کارگران خرده‌پا و کم بضاعت در کشور بنگلادش که توان درآمدی و به طبع پس‌انداز چندانی نداشته‌اند که بتوانند آن را به تنهایی در اشتغال و دریافت وام از بانکها سرمایه‌گذاری کنند، با یک مشارکت و همکاری گروهی، ضمن روی هم گذاشتن سرمایه‌های اندک و ناچیز خود و تشکیل تعاونیهای اعتبار تحت عنوان «بانک گرامین» در سراسر این کشور توانسته‌اند بزرگترین صندوق اعتباری کشور را ایجاد کنند به طوری که این بانک از آغاز تأسیس در سال ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۷، با ۲۲۴۷ شاخه در ۷۲ هزار و ۹۶ روستا فعال بوده است. همچنین تا ۱۹۹۸، بانک گرامین سهمی نزدیک به ۲۶۰ میلیون دلار و ۲/۳ میلیون تن عضو داشته و توانسته است در حدود ۱۶ میلیون وام کوچک به فقرا پرداخت نماید که از این مقدار تنها نیم درصد از وامها بازپرداخت نشده است (شریف زاده و شریفی، ۱۳۸۶، ۲۳۱).

از آنجا که میزان رفاه اجتماعی خانواده‌ها به میزان درآمد آنها نیز بستگی دارد و توزیع مناسب درآمد باعث افزایش سطح رفاه اجتماعی در جامعه و برای اکثریت خانواده‌ها می‌شود، لذا توزیع عادلانه درآمد یکی از اهداف مهم برنامه‌های توسعه کشورها به شمار می‌آید. از طرفی افزایش نابرابری در یک جامعه، علاوه بر کاهش بهره‌وری نیروی کار، موجب کاهش تقاضای محصولات داخلی و کاهش اعتماد مردم به مسئولان اقتصادی نیز می‌شود (طرازکار و زیبایی، ۱۳۸۳، ۱۳۹)، بنابراین دسترسی به اعتبارات مالی از اهمیت اساسی برخوردار و در زمره حقوق بنیادی بشر است و اگر مردمان فقیر بتوانند با شرایط معقول، اعتبار

به دست آورند، قادر خواهند بود برای خود و خانواده خود درآمد ایجاد کنند و زندگی خود را با ابتکار و استعداد تغییر دهند (Puttasawamaiah, 2000, 22). از این رو می‌توان با تکیه بر فعالیتهای خودجوش، مردمی و مشارکت داوطلبانه افراد در تأسیس و گسترش شرکتهای تعاونی، ضمن دریافت تسهیلات مالی، خدماتی و آموزشی- ترویجی از ادارات تعاون شهرستانها، در پهنه کشور زمینه‌های پویایی و رشد اقتصاد تولیدی روستاها را در کلیه عرصه‌ها از جمله عرصه گسترش صنایع کوچک و دستی فراهم آورد.

به عبارت دیگر تعاونیها با سهام اندک روستاییان می‌توانند راهگشای مشکلات نقدینگی خانوارهای روستایی و افزایش فعالیتهای آنان در روستا گردند. همچنین تعاونیها علاوه بر قطع نقش واسطه‌ها و دلالتان در روستاها، کمک شایانی به روستاییان شاغل در بخش صنایع دستی، دامداری و یا کشاورزی می‌کنند (فاضل‌بیگی و یآوری، ۱۳۸۸، ۵۴). همچنین در بسترسازی برای رشد سریع اقتصادی، تعاونیها از طریق تجمیع سرمایه‌های کوچک مردم و سرمایه‌گذاری در فعالیتهای مختلف از جمله در تولید محصولات اساسی و راهبردی، تولیدات صادراتی صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی، نوسازی و توسعه باغها، صنایع مبتنی بر منابع، صنایع کوچک و متوسط، بانکها و صنعت بیمه و همچنین از طریق تعامل فعال با بخشهای دولتی و خصوصی، جلب مشارکت خارجی، سازماندهی گروههای مردمی و فراهم کردن زمینه حضور فعال آنها در روند خصوصی‌سازی و نیز از طریق افزایش بهره‌وری در فعالیتهای خود می‌توانند در رشد و توسعه اقتصاد محلی و ملی تأثیرگذار باشند (صدیقی و درویشی نیا، ۱۳۸۱، ۳۱۴).

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش گردید تا به شیوه اداری و تجزیه و تحلیل مبانی نظری و مطالعات پژوهشی انجام گرفته در زمینه توسعه روستایی، صنایع روستایی و کاردکرد تعاونیهای صنعت در رفع فقر و آبادانی این کانونهای جمعیتی، با جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای به بررسی نقش

و آثار تعاونیهای صنایع دستی در ایجاد زمینههای اشتغالزایی و توسعه پایدار در عرصه‌های روستایی کشور پرداخته شود. در این راستا مطالعات حکایت از پیوند و ارتباط مستحکم بین رفع فقر و نابرابری در محیطهای روستایی با تنوع بخشی به اقتصاد و اشتغال در روستاها با تکیه بر بخش صنعت و حتی خدمات دارند که در این بین صنایع کوچک و دستی با قدمت درازمدت در تاریخ اقتصاد معیشتی روستاییان می‌توانند با تلاشی دوباره و سرمایه‌گذاری مجدد در این زمینه موجبات عمران و توسعه پایدار روستاها را مهیا سازند.

آنچه در این میان مهم به نظر می‌رسد، میزان دسترسی جامعه روستایی کشور به تسهیلات مالی و اعتباری لازم در جهت راه‌اندازی صنایع در روستاها می‌باشد و چون دولت و بخش خصوصی تمایل چندانی به سرمایه‌گذاری در این بخش از اقتصاد روستاها نداشته‌اند، می‌توان با بهره‌گیری از راهبرد و الگوی بخش تعاون و در واقع با مشارکت و انجام فعالیتهای داوطلبانه خود روستاییان، از طریق تجمیع سرمایه‌های اندک و کار دسته‌جمعی آنان به رفع این نقیصه مهم در عرصه‌های روستایی کشور نائل آمد. البته رشد و گسترش این گونه فعالیتهای تولیدی و درآمدزای صنایع کوچک و دستی در روستاها می‌بایست با حمایت مستمر و همه‌جانبه مالی- آموزشی ادارات تعاون شهرستانهای کشور همراه باشد تا بتوان ضمن انجام هماهنگیهای لازم در این زمینه، با همکاری و مساعدت بخش مردمی و تعاون و فعالیت شرکتهای تعاونی خودجوش، موجبات رونق، آبادانی و توسعه پایدار محیطهای روستایی کشور را فراهم آورد.

پیشنهاها

۱. تغییر نگرش حاکم در اذهان مدیران و مردم نسبت به روستاها از طریق فرهنگ سازی و برجسته سازی و توجه ویژه به مناطق روستایی در نظام برنامه ریزی و آموزش کشور؛
۲. لزوم بازنگری در برنامه‌های عمرانی کشور و دادن اهمیت به مقوله روستا و توسعه روستایی و همچنین توجه ویژه به تنوع بخشی به اقتصاد و بخش تولید در روستاهای کشور؛

۳. فراهم نمودن زمینه‌های راه‌اندازی و گسترش فعالیت صنایع کوچک و دستی در روستاهای کشور و به عبارت دیگر لزوم تقویت و گسترش صنایع کوچک و زودبازده در مناطق مستعد روستایی؛

۴. لزوم توجه به بخش آموزش و ترویج بخش تعاون و فعالیتهای وابسته به آن در میان روستاییان و بستر سازی فرهنگی به منظور جلب مشارکت روستاییان در انجام فعالیتهای جمعی و گروهی؛

۵. حمایت مؤثر از تشکیل و توسعه تعاونیها و ایجاد و گسترش مجتمعهای تعاونی روستایی؛

۶. تسهیل در فرایند اعطای اعتبارات از سوی بخشهای دولتی و تعاونی به شرکتهای تعاونی روستایی به منظور پویایی و ارتقای کمی و کیفی تولیدات بخش صنعت در روستاها؛

۷. در کنار توجه به راه‌اندازی و گسترش فعالیتهای تعاونی صنایع در روستاها و انجام حمایت همه جانبه از آن، می‌بایست زمینه‌های افزایش تولید و درآمدزایی این شرکتهای با تکیه بر بخش بازار و صادرات نیز فراهم گردد.

منابع

۱. ابوالحسنی، مهران (۱۳۷۰)، ضرورت پیوند کشاورزی و صنایع روستایی، مجله جهاد، سال دوازدهم، تهران.
۲. انصاری، محمد اسماعیل و علی شائلی بزرگی (۱۳۸۴)، پدیده جهانی شدن و نقش آن بر تعاونی‌ها، نشریه تعاون.
۳. امینی، علی اکبر (۱۳۷۲)، تعاون راهی به جامعه سالم، انتشارات وزارت تعاون، چاپ اول، تهران.
۴. ازکیا، مصطفی و علی ایمانی (۱۳۸۷)، توسعه پایدار روستایی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، تهران.
۵. بوذری، سیما (۱۳۷۶)، نقش زنان در برنامه‌ریزی توسعه روستا، مجموعه خلاصه مقالات همایش پژوهشها و قابلیتهای علم جغرافیا در عرصه سازندگی، نشر مؤسسه جغرافیا، دانشگاه تهران.

۶. براهمن، جان (۱۳۸۱)، توسعه مردم گرا، ترجمه عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و مرتضی توکلی، نشر بازرگانی، چاپ اول، تهران.
۷. چمبرز، رابرت و دیگران (۱۳۷۷)، مسایل جامعه‌شناسی روستایی، ترجمه مصطفی ازکیا، انتشارات روزبهان، چاپ اول، تهران.
۸. حاجی پورشوشتری، عبدالحمید (۱۳۷۱)، صنایع دستی، چشم انداز پیشرفت فزاینده صنعت و تکنولوژی، دستها و نقشها.
۹. خزاعی قوژدی، علی (پاییز ۱۳۷۶)، صنایع روستایی، تحولات و توسعه، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۲ و ۳.
۱۰. دیلمانی، فریدون (۱۳۷۸)، گسترش جهانگردی در ایران به جای فروش نفت (جلد اول)، انتشارات چشم انداز، تهران.
۱۱. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و مهدی طاهرخانی (تابستان ۱۳۸۱)، استقرار صنعت در روستا و نقش آن در رفاه مناطق روستایی، فصلنامه مدرس، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱-۲۲.
۱۲. سازمان بین‌المللی کار (ILO) (۱۳۸۳)، پیشرفت و توسعه تعاونی‌ها، ترجمه: اصغر بیات، وزارت تعاون، معاونت آموزش و ترویج، انتشارات بایگان، چاپ اول، تهران.
۱۳. سپهر، نصرت‌الله (۱۳۸۶)، نقش صنایع دستی در تحکیم خانواده، نشریه آموزشی هنرهای سنتی و صنایع دستی، گلابتون، دوره جدید، شماره ۲، تهران.
۱۴. سعیدی رضوانی، عباس (۱۳۷۴)، صنایع روستایی و اشتغال جوانان روستایی، ماهنامه جهاد، سال پانزدهم.
۱۵. شایان، حمید و حکمت‌شاهی اردبیلی (۱۳۸۶)، نقش صنایع روستایی در توزیع بهینه درآمد، مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان مشهد، مجله روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۲.
۱۶. شریف‌زاده، ابوالقاسم و مهنوش شریفی (۱۳۸۶)، تجربه بانک گرامین در زمینه ساماندهی اعتبارات روستایی، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۳۶-۲۳۵.

۱۷. شکور، علی (۱۳۸۶)، بررسی اثرات کار جنبی بر درآمد و مهاجرت روستائیان داراب، فصلنامه علوم کشاورزی، سال ۱۳، شماره ۴، صص ۸۱۹-۸۰۱.
۱۸. شمس‌الدینی، علی (۱۳۸۸)، نقش شرکتهای تعاونی در توسعه پایدار شهرستان ممسنی، نشریه اقتصادی-اجتماعی تعاون، سال بیستم، شماره ۲۰۴ و ۲۰۵، صص ۸۹-۱۰۵.
۱۹. شمس‌الدینی، علی (۱۳۹۰)، بررسی نقش تفاهم‌نامه‌های همکاری بین بخش تعاون و دستگاههای اجرایی در راستای ترویج و تشکیل شرکتهای تعاونی در استان فارس، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۲۵، تهران، صص ۱۲۲-۱۴۹.
۲۰. صادقی، احمد (بهار ۱۳۸۰)، بررسی اقتصادی صنایع روستایی استان مازندران، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، سال ۱، شماره ۱، صص ۸۷-۱۰۶.
۲۱. صباغ کرمانی، مجید و لطفعلی عاقلی (۱۳۸۳)، ضرورت ارتقاء تعاونیها و جایگاه آن در بخش سوم اقتصاد، فصلنامه مدرس، شماره ۲، صص ۱۲۷-۱۴۸.
۲۲. صدیقی، حسن و علی اصغر درویشی‌نیا (۱۳۸۱)، بررسی میزان موفقیت شرکتهای تعاونی تولید روستائی استان مازندران، مجله علوم کشاورزی/ایران، جلد ۳۳، شماره ۲، صص ۳۱۳-۳۲۲.
۲۳. طرازکار، محسن و منصور زیبایی (۱۳۸۳)، بررسی معیارهای رفاه اجتماعی و توزیع درآمد و فقر در جوامع روستایی و شهری، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۴۸.
۲۴. طاهرخانی، مهدی و وکیل حیدری ساریان (۱۳۸۳)، نقش تعاونی‌های تولیدی در توسعه مناطق روستائی (مطالعه موردی: شهرستان مشکین شهر)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۹.
۲۵. عمادی، محمدحسین (۱۳۷۹)، چالش‌ها و راهبردهای ارتقای بهره‌وری در صنایع روستایی، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات ارائه شده در همایش صنایع روستایی، ناشر: اداره کل طرح‌های صنعتی و بهره‌برداری، تهران.
۲۶. علیزاده، غلامرضا (۱۳۸۲)، تعاون، WTO و ضرورت کاربرد IT در تعاونی‌ها، نشریه تعاون، شماره ۱۴۸، پیاپی ۲۳۷.

۲۷. فرید، یدالله (۱۳۸۰)، سیر اندیشه در قلمرو جغرافیای انسانی، انتشارات دانشگاه تبریز، چاپ اول، تبریز.
۲۸. فرجادی، غلامعلی (۱۳۷۱)، درآمدی بر نظریه‌های رشد و توسعه اقتصادی، چاپ اول، نشر البرز، تهران.
۲۹. فشارکی، پریدخت (۱۳۸۲)، استراتژیهای توسعه روستایی در دنیای در حال توسعه، مورد مطالعاتی چین، نشریه علمی فنی سازمان جغرافیایی سپهر، شماره چهارم و هشتم، تهران.
۳۰. فاضل بیگی، محمد مهدی و غلامرضا یوری (۱۳۸۸)، تعاون روستایی سرآغازی بر توسعه کارآفرینی، نشریه اقتصادی - اجتماعی تعاون، شماره ۲۰۴ و ۲۰۵، صص ۴۱-۶۳.
۳۱. کردزاده کرمانی، محمد (۱۳۷۲)، توسعه اقتصادی در اندونزی، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، تهران.
۳۲. کوپاهی، مجید و علیرضا دربان آستانه (۱۳۸۰)، بررسی عوامل مؤثر بر بهره‌وری صنایع کوچک روستایی، مطالعه موردی استان خراسان، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۳.
۳۳. کوپاهی، مجید و علیرضا دربان آستانه (۱۳۸۱)، اندازه‌گیری و تحلیل بهره‌وری صنایع کوچک روستایی در استان خراسان، مجله علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۳، شماره ۴، صص ۶۶۱-۶۶۹.
۳۴. کرمی زکیه (۱۳۸۶)، نقش بازاریابی در توسعه صنایع دستی و اثرات آن بر گردشگری با تأکید بر گلیم نقش برجسته، نشریه دستها و نقشها، تهران.
۳۵. مطیعی لنگرودی، سیدحسین (۱۳۸۰)، اثرات اقتصادی - اجتماعی شهرکهای صنعتی در نواحی روستایی در شهرک صنعتی مشهد، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، مشهد.
۳۶. مطیعی لنگرودی، سیدحسین (۱۳۸۲)، برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ اول، مشهد.
۳۷. منشی زاده، رحمت اله (۱۳۸۴)، اندر مقوله گردشگری، نشر منشی، چاپ اول، تهران.
۳۸. مهرگان، نادر (۱۳۷۰)، نقش صنایع روستایی در ایجاد اشتغال، ماهنامه جهاد سازندگی، سال یازدهم، آذر ماه.

۳۹. مهر فرد، علی اکبر (۱۳۷۹)، صنایع روستایی فرآیندی در تکمیل تولید و اشتغال، مقالات ارائه شده در همایش صنایع روستایی، اداره کل طرحهای صنعتی و بهره برداری.

۴۰. نشریه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعاون (دی ۱۳۸۲)، WTO و ضرورت کاربرد IT در تعاونیها، شماره ۱۴۸.

۴۱. نراقی، یوسف (۱۳۷۲)، توسعه و کشورهای توسعه نیافته، انتشارات چاپخش، تهران.

۴۲. وزارت تعاون (۱۳۷۸)، معاونت تحقیقات آموزش و ترویج مشارکت های مردمی در سازمان های تعاونی.

۴۳. هاگ، ام. وی (۱۳۶۸)، تحلیلی از مسایل اساسی صنعتی کردن و توسعه روستایی، گاهنامه روستا و توسعه، شماره دوم.

۴۴. هودر، روپرت (۱۳۸۱)، جغرافیای توسعه، ترجمه ناصر اقبالی و آنتیا هایراپطیان، نشر کلمه چاپ بیستون، تهران.

۴۵. یاور، حسین (۱۳۸۵)، آشنایی با هنرهای سنتی، انتشارات دانش جهانگردی وابسته به مؤسسه صبای سحر، تهران.

46. Puttasawamaiah, K. (2000), Poverty and Rural Development, New Delhi, Oxford & IBH Publishing Co, p 22.

47. Kumar, B.L. (1990), Gambhira cooperative farming society : A successful experimental in collective efforts, *Ind. J. of Agri. Econ.*, 45(3):362-366.